

The reaction of the Iranian Ulama in Atabaat to the Iranian merchants taking sanction in the British consulate in Karbala (1905)

Aliakbar Khedrizadeh¹

Abstract:

Purpose: To investigate the event of taking sanctuary in the British Consulate by Iranian merchants; and the actions taken by Iranian Ulama residing in (Karbala and Najaf) to support them.

Method and Research Design: Data gathered from library materials and archival records kept in the Iranian Foreign Affairs Ministry.

Findings and Conclusion: Iranian merchants and tradespeople residing in Karbala protested against extra taxes but Ottoman authorities in Baghdad reacted violently and killed a number of them. Different groups containing Iranian Ulama in Atabat and Parliamentary representatives complained about this. These reactions led to the displacement of the Baghdad governor and to removing extra taxes. Slow and insufficient reaction by the Iranian diplomatic staff led to merchants' taking sanctuary from violence.

Keywords:

Merchants; Iran; Ulama; Ottoman authorities; British Consulate; Iran Foreign Affairs Ministry.

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

1. Assistant Professor, History, Islamic Azad University, Shahr ray branch, Tehran, I.R. Iran
khedrizadeh@yahoo.com

Ganjine-Ye Asnad

«109»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2018.2270

Indexed by ISC, SID & Iran Journal | Vol. 28, No. 1 Spring 2018 | pp: 88-106

Received: 19, Nov. 2016 | Accepted: 03, Dec. 2017

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیمی

نحوه برخورد علمای ایرانی ساکن عتبات با واقعه بست نشینی تجار ایرانی ساکن کربلا در مجاورت کنسول‌گری انگلیس (۱۳۲۴ ق)

علی اکبر خدزی زاده^۱

چکیده:

هدف: بررسی ماجرای بست‌نشینی تجار ایرانی ساکن کربلا در مجاورت کنسول‌گری انگلیس در سال ۱۳۲۴ ق. موضوع این مقاله است. این ماجرا در پی مطالبه مالیاتی دولت عثمانی با عنوان "شهریه" از تجار و کسبه ایرانی صورت گرفت و به کشتار و مجروح کردن بست‌نشینان منجر شد. روش: این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد وزارت امور خارجه ایران تنظیم شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: تجار و کسبه ایرانی، از طریق مقامات ایرانی به مطالبه مالیاتی دولت عثمانی اعتراض کردند، که به آن رسیدگی نشد. در نهایت، رفتار خشونت‌آمیز والی بغداد منجر به کشتار بست‌نشینان معترض شد. در پی ماجرای کشتار بست‌نشینان، وزارت امور خارجه ایران زیر فشارهای سیاسی علمای ایرانی ساکن عتبات، اعتراضات مردمی، مطبوعات و نمایندگان مجلس شورای ملی قرار گرفت. متعاقب آن، وزیر امور خارجه برای رسیدگی به این موضوع مکاتبات زیادی با سفیر ایران در عثمانی و نیز کارپرداز اول ایران در بغداد انجام داد. برکناری والی بغداد و برداشتن رسم مالیات از تجار و کسبه ایرانی ساکن کربلا از دستاوردهای دیپلماتیک وزارت امورخارجی بعد از این ماجرا بود.

کلیدواژه‌ها:

بست‌نشینی؛ وزارت امورخارجه؛ دولت عثمانی؛ بریتانیا؛ حکومت قاجار؛ کربلا؛ تجار؛ ایرانیان؛ والی بغداد؛ علمای عتبات.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی شهری، تهران، ایران
khedrizadeh@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۰۹»

فصلنامه علمی- پژوهشی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا(چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا(الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برمود رقمی (DOI): 10.22034/ganj.2018.2270

نماینده در ISC، SID و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۸، دفتر ۱، بهار ۱۳۹۷ | صص: ۸۸-۱۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۲۹ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۲۹

تحقیقات تاریخی

مقدمه

رفتار خشونت‌آمیز دولت عثمانی با زواری ایرانی و ایرانیان ساکن عتبات همواره از موضوعات مورد مناقشه در روابط ایران و عثمانی بوده است. از جمله این برخوردها، کشتار مردم کربلا به دستور نجیب‌پاشا (۱۲۵۹ق)، و رفتار خشن والی بغداد به هنگام بست‌نشینی تجار و کسبه ایرانی ساکن کربلا در مجاورت کنسول‌گری انگلیس در محله خیمه‌گاه است که باعث کشته و مجروح شدن حدود پنجاه نفر از بست‌نشینان به دست نیروهای نظامی عثمانی شد. بست‌نشینی از اوایل شعبان ۱۳۲۴ق - حدود دو ماه پس از بست‌نشینی جمعی از مردم تهران در سفارت انگلیس و مقارن با تحولات سیاسی انقلاب مشروطه - آغاز شد و در ۸ رمضان ۱۳۲۴ق به پایان رسید.

علت اصلی این واقعه، مطالبه مالیاتی با عنوان «شهریه»، از تجار و کسبه ایرانی ساکن عراق به‌ویژه کربلا بود. این مالیات شامل سایر اتباع بیگانه ساکن کربلا نشده بود؛ بنابراین سبب نارضایتی تجار و کسبه ایرانی از رفتار والی بغداد شد. تجار و کسبه ایرانی برای رهایی از پرداخت این مالیات به علمای عتبات از جمله آخوند خراسانی مراجعه کردند و از آن‌ها استدعا کردند تا اقدامی مقتضی برای پیگیری و حل این موضوع مناقشه‌برانگیز از طریق سفارت ایران انجام دهند. در پی این درخواست، مکاتباتی بین علمای نجف و کربلا با میرزا رضا ارفع‌الدوله - سفیر ایران در عثمانی (۱۳۱۹-۱۳۲۸ق) - درباره مشکل به‌وجودآمده برای تجار و کسبه ایرانی ساکن کربلا انجام شد. از سوی دیگر، نامه‌هایی نیز بین وزارت امور خارجه ایران و سفارت ایران در استانبول برای تحقیق و پیگیری لازم در این باره انجام شد؛ ولی هیچ‌یک از این تلاش‌ها نتیجه‌ای دربرداشت. از این رو تجار و کسبه سرخورده و مأیوس از دولت ایران، به‌ناچار در مجاورت کنسول‌گری انگلیس در محله خیمه‌گاه کربلا بست نشستند. بست‌نشینی آنان نزدیک به چهل روز ادامه یافت تا آن‌که در روز ۸ رمضان ۱۳۲۴ق تجار ناراضی و معترض ایرانی با حمله نیروهای نظامی عثمانی مواجه شدند که در نتیجه آن ۴۲ نفر کشته و ۷ نفر زخمی شدند.^۱ (استادوخ، سال ۱۳۲۴ق، کارتن ۶، پوشه ۱، واقعه کربلا، صص ۳۶ و ۱۱۹). اوژن لوین سفیر فرانسه که اندکی بعد از این حادثه به کربلا وارد شده است آمار کشته‌شدگان را ۲۵ نفر و تعداد زخمی‌ها را ۴۰ نفر نوشته است (لوین، ۱۳۶۲، ص ۳۹۹).

موضوع مورد تحقیق، فاقد پیشینه پژوهشی مستقلی است. از این رو نویسنده این نوشتار تلاش دارد تا براساس اسناد وزارت امور خارجه ایران، به‌ویژه مکاتبات علمای ایرانی ساکن

۱. درباره تعداد کشته‌شدگان و مجروحان ارقام متفاوتی ذکر شده است؛ در برخی از اسناد واقعه کربلا ۴۰ کشته و ۸۰ مجروح هم ذکر شده است (استادوخ، سال ۱۳۲۴ق، کارتن ۶، پوشه ۱ (واقعه کربلا)، صص ۳۶ و ۱۱۹). اوژن لوین سفیر فرانسه که اندکی بعد از این حادثه به کربلا وارد شده است آمار کشته‌شدگان را ۲۵ نفر و تعداد زخمی‌ها را ۴۰ نفر نوشته است (لوین، ۱۳۶۲، ص ۳۹۹).



عتبات با سفارت ایران در استانبول و گزارش های سفارت ایران در استانبول به وزارت امور خارجه، موضوع را بررسی کند؛ ولی پیش از پرداختن به بحث اصلی مقاله لازم است وضعیت علمای ایرانی ساکن عتبات و دیدگاه و مبانی فقهی آنها درباره قدرت و حکومت به اختصار بررسی شود.

علمای ایرانی مقیم عتبات

علمای ایرانی مقیم عتبات که بانیان اصلی فقه اصولی شیعه محسوب می شوند نقش برجسته ای در تحولات سیاسی عصر قاجار داشتند. در آغاز حکومت قاجار، قدرت علمای اصولی شیعه فزونی یافت و اندیشه اجتهادی آنها بر تفکر اخباری گری و شیخیه پیروز شد (حائری، ۱۳۶۴، صص ۸۶-۸۸). محمدباقر بهبهانی (وحید بهبهانی) که در تکوین مبانی اندیشه اجتهادی نقش برجسته ای داشت، به سیطره اخباریون خاتمه داد و شاگردانی از قبیل شیخ مرتضی انصاری را تربیت کرد که نقش مهمی در تحولات سیاسی عصر قاجار داشت (دوانی، ۱۳۳۷، صص ۱۹۸-۲۰۳). محور اصلی اندیشه علمای اصولی شیعه، اصل اجتهاد است. مجتهدان شیعه رهبر دینی جامعه و جانشین امام غایب و مفسر احکام دینی محسوب می شدند. براساس اندیشه سیاسی شیعه، حکومت از آن خداست و به پیامبر اسلام تفویض شده است و بعد از پیامبر به دوازده امام شیعه و از آخرین امام که غایب است ابتدا به نواب خاص و سپس به نواب عام منتقل می شود؛ بنابراین هیچ یک از حکام دنیوی مشروعیت ندارند و غاصب مقام امامت تلقی می شوند. بنابر اندیشه علمای اصولی، مجتهدان در عصر غیبت امام دوازدهم، جانشین امام محسوب می شوند؛ بنابراین کسانی که پایبند به عقاید شیعه هستند یا باید خود مجتهد باشند یا باید از مجتهد واجد شرایط تقلید کنند. مجتهد نیز احکام فقهی را براساس منابع چهارگانه، قرآن، سنت، اجماع، و عقل صادر می کند. اصولیون با دو جناح رویارو بودند: اخباریون که قدرت مسلط دینی را قبل از وحید بهبهانی در اختیار داشتند و شیخیه که جماعت محدودی را در قیاس با اخباریون تشکیل می دادند (الگار، ۱۳۶۹، صص ۱۸-۳۰؛ حائری، ۱۳۶۴، صص ۷۶-۷۷؛ آبادیان، ۱۳۷۶، ص ۴۱).

در دوره فتحعلی شاه، نوعی تمکین در برابر فرمان های علمای وجود داشت. بارزترین آن در زمان وقوع جنگ های دوره دوم ایران و روس بود. اصل بر این بود که هر زمامداری باید از مجتهدی زنده تقلید کند و احکام و فتوای او را اجرا کند. میزان نفوذ علمای در عهد فتحعلی شاه به گونه ای بود که او ناگزیر می شد در مجادلات اخباری و اصولی موضع خود را معین کند (الگار، ۱۳۶۹، صص ۸۷-۱۲۸). در دوره محمدشاه و صدارت میرزا آقاسی



به دلیل تمایلات آشکار وزیر اعظم به فرقه صوفیه - از قدرت و نفوذ مجتهدان شیعه کاسته شد و در مقابل، متصوفه از حمایت جدی آقاسی و حکومت قاجار برخوردار شد. در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه و در دوره صدارت امیرکبیر، تعارض بین علما و حکومت شدت یافت که این امر ناشی از اقدامات قضایی امیرکبیر و جداکردن دو حوزه شرع و عرف از یکدیگر بود (الگار، ۱۳۶۹، صص ۱۷۱-۲۱۰؛ آبادیان، ۱۳۷۶، صص ۴۳-۵۰). با ظهور شیخ مرتضی انصاری، فصل جدیدی در اندیشه علمای اصولی آغاز شد. شیخ مرتضی در محضر سید محمدباقر شفتی به کسب علم پرداخت و در نجف، در محضر درس شیخ محمدحسن نجفی - مشهور به «صاحب جواهر» - تلمذ کرد. صاحب جواهر فرزند شیخ جعفر نجفی - معروف به کاشف الغطاء مجتهد اصولی عصر فتحعلی شاه - بود. پس از مرگ صاحب جواهر عموم شیعیان به شیخ مرتضی انصاری گرویدند و کار به آنجا رسید که او تنها مرجع تقلید شیعه شناخته شد.

تأسیس نهاد مرجعیت، قدرتی بسیار به علما بخشید. از این زمان به بعد، عتبات، مرکز عالی قدرت شیعه شد و مرکزیت رهبری دینی، از اصفهان به عتبات منتقل شد. شیخ انصاری خود از دست یازیدن به اقدام سیاسی اجتناب کرد؛ ولی تأسیس نهاد مرجعیت توسط او، ابزار توانمندی به دست علما از جمله میرزا حسن شیرازی و شاگردش آخوند خراسانی داد تا در مواقع متعدد از آن استفاده کنند (الگار، ۱۳۶۹، ص ۳۱۳؛ حائری، ۱۳۶۴، صص ۸۱-۸۴). پیدایش چنین تحولی برای علما مقارن با دوره صدارت میرزا حسین خان سپهسالار بود. سپهسالار می‌کوشید نظر علما را جلب کند؛ ولی اعطای امتیازنامه رویتر ضربه‌ای شدید بر حیثیت سیاسی او وارد آورد. درحقیقت نقطه محوری اندیشه علما دفع ظلم، دفاع از مظلوم و ضدیت با مداخله بیگانگان در شئون اقتصادی و سیاسی ایران بود. مخالفت علما با این امتیازنامه سرانجام باعث برکناری سپهسالار از مقام صدارت و لغو قرارداد رویتر شد. تجربه موفق علما در مبارزه با اعطای امتیاز به بیگانگان (مخالفت با قرارداد رویتر) زمینه شرکت فعال علما در تحولات سیاسی ایران و عراق، از جمله جنبش تنباکو و انقلاب مشروطه را فراهم کرد.

رسم مالیات «شهریه»

از اوایل سال ۱۳۲۳ق دولت عثمانی نوعی مالیات منسوخ شده به نام «شهریه» یا «ویرگو»^۱ را از تُّجَّار و کسبه ایرانی مطالبه کرد؛ ولی درعین حال اقدامی جدی برای اخذ خسونت‌آمیز آن انجام نداد. براین اساس دو تن از علمای ایرانی ساکن عتبات عالیات به نام سیدباقر طباطبائی و اسماعیل بن صدرالدین که همچنان نگران مطالبه این مالیات از تُّجَّار و کسبه

۱. ویرگو (vergi): نوعی مالیات اضافی بود که از کسبه و تُّجَّار قیصریه برای پرداخت حقوق سربازان و مستحفظین بازار و شهر گرفته می‌شد؛ ویرگو نوعی مالیات در عثمانی بوده است. این کلمه ترکی و قدیمی است و مشتق از فعل ویرمک/ویرمک است. این شکل املائی صرفاً انعکاس سنت املائی عثمانی بوده و تلفظش وُترگی است.

ایرانی بودند در اوایل صفر ۱۳۲۴ق با ارسال نامه‌ای خطاب به ارفع‌الدوله سفیر ایران در عثمانی خواستار پیگیری و توقف کامل این مالیات شدند. در بخشی از این نامه چنین آمده است: «... تلغرافاً از شهریه داکین سؤال فرموده بودند. رسم اصنافیه ممالک محروسه از کربلا و نواحی گرفته می‌شود؛ به علاوه، آنچه که در سایر بلاد مرسوم نبود به رسم شهریه نیز از کربلا می‌گرفتند. الله‌الحمد به واسطه اقدامات جلیله و توجهات مستطاب عالی چندی است توقیف شده؛ استدعای آسایش کلیه است؛ امر قطعی به رفع آن صادر فرمایند که مزید بر تشکر و دعاگویی گردد» (استادوخ، سال ۱۳۲۴، کارتن ۶، پوشه ۱، واقعه کربلا). از اسناد وزارت امور خارجه ایران چنین پیداست که این مالیات برای مدتی متوقف بوده است تا آن‌که در ماه‌های نخست سال ۱۳۲۴ق مقارن با انقلاب مشروطه ایران، دولت عثمانی تجار ایرانی را برای پرداخت این مالیات به سختی زیر فشار قرار داد. در این زمان تجار و کسبه ایرانی ساکن کربلا به علمای نجف از جمله آخوند خراسانی مراجعه و از ایشان دادخواهی کردند. متعاقب آن، آخوند خراسانی در حمایت از تجار و کسبه ایرانی نامه‌ای به ارفع‌الدوله سفیر ایران در عثمانی نوشت و پس از تشریح رسم اخذ مالیات «شهریه» - که در سایر ممالک عثمانی مرسوم نبود و فقط از تجار ایرانی ساکن کربلا مطالبه شده بود- از او خواست تا اقدام لازم را در این باره انجام دهد. در بخشی از نامه آخوند خطاب به ارفع‌الدوله چنین آمده است: «... به همت حضرت عالی یک سال است متعرض نبودند و تمام منتظر قطعی بر ندادن بودیم؛ این روزها باز به خیال گرفتن افتاده و مأمورین تعیین کرده و موجب تشویش اذهان اهالی گشته؛ علاوه بر اینکه مجدداً امر به گرفتن ویرگو شخصی از تمام رعایای ایرانی در عراق به استثنای رعایای سایر دول داده‌اند. باوجود شخص کافی باب عالی، موجب تعجب و ازدیاد تشویش و پریشانی عموم مجاورین و هیجان آن‌ها گشته و ایرانیان به واسطه عدم تمکن و استثنایی از رعایای سایر دول قبول نخواهد کرد. استدعا داریم رفع این اوامر را عاجلاً از آن‌ها از مراحم همایونی استدعا نموده تلگرافاً اعلام فرمایید که موجب آسودگی رعایای اولیاء دولت گردد. الحقییر محمدکاظم الخراسانی» (استادوخ، سال ۱۳۲۴، کارتن ۶، پوشه ۱، واقعه کربلا).

علاوه بر پیگیری و حمایت آخوند خراسانی از تجار و کسبه ایرانی مقیم کربلا سایر علمای ایرانی ساکن عتبات نیز با ارسال تلگراف به ارفع‌الدوله خواهان رسیدگی سفیر ایران در عثمانی، به این موضوع شدند. برای نمونه یک روز پس از ارسال نامه آخوند خراسانی به ارفع‌الدوله، یکی از علمای کربلا به نام محمدباقر طباطبائی نیز در نامه خود خطاب به ارفع‌الدوله نوشت: «چندی بود کسبه کربلا از دادن شهریه که در غیر کربلا از ممالک شاهانه گرفته نمی‌شد به همت حضرت عالی آسوده دعاگوی دوام دولت علیه و منتظر امر قطعی

۱. باجذب



در رفع آن وعده حضرت عالی بودند. در این ایام باز درصددِ گرفتن افتاده‌اند علاوه‌براین امر [بر] گرفتن ویرگو شخصی از تمام رعایای ایران به‌استثنای اتباع سایر دول داده‌اند. اختصاص ایرانیان باین تحمّلات و تکلفات دول سایر باوجود مراحم و عنایات اعلی حضرت اقدس شاهانه خَلَدَ اللهُ مُلْکَهُ^۱ در حق ایرانیان ... و توجهات کامله شخص حضرت عالی موجب تعجب است. چون که اتباع ایران در این اماکن غالباً فقیر و بی‌بضاعت [اند] اجرای این امور شاقه موجب هیجان عموم دعاگویان و پریشانی مجاورین گشته. ان‌شاءالله امر تلگراف در رفع این غائله به حُسن کفایت حضرت عالی از مراحم همایونی اعلام خواهید فرمود که موجب آسایش رعایا و دعاگویان گردد» (استادوخ، سال ۱۳۲۴، کارتن ۶، پوشه ۱، واقعه کربلا).

شکایت علمای ایرانی ساکن عتبات عالیات و افزایش نارضایتی تُّجّار ایرانی ساکن کربلا از فشارهای مالیاتی دولت عثمانی و ارسال اخبار آن به ایران سرانجام وزارت خارجه را ناگزیر از پیگیری این موضوع کرد. برای نمونه، تلگراف مورخ ۱۰ صفر ۱۳۲۴ ق میرزا نصرالله مشیرالدوله وزیر خارجه به ارفع‌الدوله درباره شکایت علما از دولت عثمانی به‌علت مطالبه مالیات «شهریه» از تُّجّار و کسبه ایرانی ساکن کربلا، حاکی از آن است که دولت ایران به‌علت آن‌که درگیر مسائل داخلی ایران و تحولات سیاسی ناشی از انقلاب مشروطه بود، تلاش کرد تا این موضوع را هرچه سریع‌تر با دولت عثمانی به شیوه مسالمت‌آمیز حل و فصل کند. در بخشی از این تلگراف آمده است: «کتباً و تلگرافاً باز شکایت می‌کنند که عثمانی در عراق عرب برای مطالبه و اخذ مالیات جدید و شهریه از اتباع ایرانی سختی و اصرار می‌کنند و حتی نوشته‌اند که سختی عثمانی‌ها در این کار تولید مفسدت می‌خواهد شد. جناب عالی حکم شریفی در منع مطالبه مالیات جدید و شهریه از باب عالی^۲ صادر و ابلاغ نمایند که شکایات متوالیه علماء رفع شده و حاصل اقدام در این کار را اطلاع بدهید به عرض برسند» (استادوخ، سال ۱۳۲۴، کارتن ۶، پوشه ۱، واقعه کربلا، نمره ۳۶۵، سواد تلگراف رمز وزارت خارجه به ارفع‌الدوله).

علاوه‌براین، از مکاتبات میرزا نصرالله مشیرالدوله وزیر امور خارجه با یمین‌الممالک کاربرد از ایران در بغداد در تاریخ ۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۴ ق نیز به‌خوبی پیداست که شکایات و پیگیری‌های تُّجّار ایرانی مقیم کربلا و حمایت علمای عتبات درباره لغو مالیات «شهریه» نتیجه‌بخش بوده است و دولت قاجار را وادار کرد تا در این باره تحقیق لازم را انجام دهد. در بخشی از نامه مشیرالدوله خطاب به یمین‌الممالک درباره شکایت اتباع ایرانی ساکن کربلا درباره مالیات «شهریه» و ضرورت تحقیق درباره آن آمده است: «مدتی است اتباع ایران ساکنین کربلا شکایت می‌کنند که عثمانی‌ها علاوه بر وجه اَصْنافیّه و تمتع، به اسم شهریه ویرگو [هم] از آن‌ها مطالبه می‌کنند و هر وقت هم از وزارت خارجه به سفارت عثمانی در

۱. خداوند پادشاهی او را جاویدان گرداند.
۲. باب عالی: دربار سلاطین عثمانی، ترجمه عالی‌قاپو (درب عالی) یا آلا قاپو (در سرخ)؛ اسلامبول، استانبول.



تهران یا از سفارت اسلامبول (باب عالی) اظهار شده جواب داده‌اند که این وجه همان اصنافیه و تمتع است و غیر از اصنافیه چیز دیگری از آن‌ها مطالبه نشده است.» مشیرالدوله در ادامه از یمین‌الممالک می‌خواهد که از میرزا محمدعلی خان مأمور کربلا بخواهد تا تحقیق کند که دولت عثمانی رسم شهریه را از کدام طبقه مطالبه می‌کند. آیا از تجار و کسبه و اصناف عموماً مطالبه می‌کنند یا فقط از اصناف می‌خواهند. در پایان مشیرالدوله از یمین‌الممالک می‌خواهد که از اصناف ایرانی ساکن کربلا که محکوم به دادن اصنافیه هستند صورتی بردارد و با تفصیل مطلب به وزارت خارجه بفرستد تا «به سفارت اسلامبول فرستاده شده از روی بصیرت و اطلاعات صحیحه اقدام به این کار شده؛ قرار صحیحی فی‌مابین سفارت کبری و باب عالی داده شود که رفع این شکایات به عمل بیاید» (استادوخ، سال ۱۳۲۴، کارتین ۶، پوشه ۱، نمره ۵۵۶، واقعه کربلا)، سواد کاغذ وزارت خارجه به یمین‌الممالک، بغداد).

مشیرالدوله در همان روز، نامه‌ای خطاب به سفارت ایران در اسلامبول (استانبول) نوشت و در آن نامه خاطر نشان کرد که «از اظهارات کارپرداز بغداد و تلگراف علماء عتبات در خصوص رسم شهریه که در کربلا از کسبه ایرانی مطالبه می‌نمایند، شرحی در ضمن لایحه نمره ۳۴ سفارت کبرا اشعار شده بود، مستحضر شدم رسم شهریه غیر از اصنافیه است؛ زیرا اصنافیه را از طبقات اصناف می‌گیرند و شهریه را از کسبه و تجار ساکنین قیصریه مطالبه می‌نمایند. به هر حال به کارپرداز بغداد نوشته شد که تفصیل مطلب را به‌طور جامع و کافی به سفارت کبری راپورت بدهند و وجه اصنافیه و شهریه را مشخصاً تعیین کنند که برطبق آن مالیات [مورد] مذاکره قرار از مالیاتی [دیگر نمایند] حکم بر منع مطالبه آن صادر نمایند که رفع این شکایت از اتباع ایران بشود» (استادوخ، سال ۱۳۲۴، کارتین ۶، پوشه ۱، نمره ۵۵۸، واقعه کربلا)، سواد کاغذ وزارت امور خارجه به سفارت اسلامبول).

مشکل تجار و کسبه ایرانی مقیم کربلا از چشم مطبوعات نیز دور نماند. برای نمونه در تاریخ ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴ ق روزنامه حبل‌المتین با درج گزارشی درباره وضعیت اسفبار اصناف ایرانی ساکن کربلا و فشارهای مالیاتی دولت عثمانی بر آن‌ها، خواستار رسیدگی وزارت امور خارجه ایران به این موضوع شد. (حبل‌المتین، س ۱۳، ش ۴۰، ص ۱۱). با وجود این، وزارت امور خارجه ایران تلاشی جدی برای حل مسأله آمیز این موضوع انجام نداد تا آن‌که واقعه بست‌نشینی تجار ایرانی در مجاورت کنسول‌گری انگلیس اتفاق افتاد.

بست‌نشینی تجار ایرانی ساکن کربلا در مجاورت کنسول‌گری انگلیس

در اواخر رجب سال ۱۳۲۴ ق - حدود دو ماه پس از واقعه بست‌نشینی در سفارت انگلیس در تهران - حدود پانصد تن از تجار و کسبه ایرانی ناراضی ساکن کربلا که از چند ماه

۱. خرداد؛ آگاه‌کردن.



قبل زیر فشارهای مالیاتی دولت عثمانی قرار گرفته و از پیگیری سفیر ایران در عثمانی برای حذف مالیات «شهریه» مایوس و سرخورده شده بودند - احتمالاً به تأسی از واقعه بست‌نشینی مردم تهران در سفارت انگلیس - به‌ناچار به محله خیمه‌گاه در مجاورت کنسول‌گری انگلیس مراجعه کردند و در آن‌جا بست نشستند. البته پیش‌از آن، تُّجَّار و کسبه ایرانی ابتدا به کنسول‌گری ایران مراجعه کرده بودند؛ ولی چون اهتمام و مذاکرات کنسول ایران نزد والی عثمانی در کربلا کارساز نیفتاده بود، به کنسول‌گری بریتانیا به‌عنوان عضو ناظر معاهده چهارجانبه ارزروم التجاء^۱ کردند (موجانی، ۱۳۸۹، ص ۳۷۳). تحصن تُّجَّار و کسبه ایرانی نزدیک به چهل روز ادامه یافت. تُّجَّار و کسبه - که ظاهراً توسط محمدحسن نَوَّاب کابلی قندهاری، نایب کنسول بریتانیا در کربلا تحریک شده بودند - به‌امید حمایت انگلیسی‌ها به تحصن خود ادامه دادند. در این زمان، رشیدپاشا زهاوی، حکمران کربلا، در تکاپوی یافتن روش مسالمت‌جویانه‌ای برای خاتمه‌دادن به تحصن بود و در این ارتباط علمای نجف را واسطه قرار داد (تبرائیان، ۱۳۷۸، ص ۳۴۴؛ نجفی، ۱۳۷۹، صص ۹۰-۹۱). عبدالله مازندرانی و آخوند خراسانی - با وجود حمایت همه‌جانبه‌ای که پیش‌تر از تُّجَّار و کسبه ایرانی ساکن کربلا انجام داده بود (استادوخ، سال ۱۳۲۴ق، کارتن ۶، پوشه ۱، واقعه کربلا) - ظاهراً در این امر دخالتی نکردند. دخالت‌نکردن آخوند خراسانی و مازندرانی را شاید بتوان در جهت تأیید بست‌نشینی و دفاع از خواسته تُّجَّار ایرانی و تداوم مبارزه آن‌ها با دولت عثمانی تفسیر کرد. باین‌حال، تمامی علمای ساکن عتبات موضع یکسانی درقبال تداوم بست‌نشینی نداشتند؛ کما این‌که، ازسوی میرزا حسین، میرزا خلیل تهرانی و سید محمدکاظم یزدی، نمایندگان از نجف برای نصیحت بست‌نشینان رهسپار کربلا شدند که البته نتیجه‌ای دربرنداشت. احتمالاً پراکندگی کلام علمای نجف باعث ناتوانی آن‌ها در پایان‌دادن مسالمت‌آمیز به این موضوع شده بود (نجفی، ۱۳۷۹، ص ۹۱).

رئیس پلیس شهر به متحصنان اخطار داد؛ ولی با استهزای آنان مواجه شد. گویا تحصن‌کنندگان مطمئن بودند حاکمیت عثمانی مانند حکومت ایران قادر به شکستن تحصن آنان نیست و در نتیجه خواسته‌های آنان با پشتیبانی انگلیسی‌ها محقق می‌شود (تبرائیان، ۱۳۷۸، ص ۳۴۴). سرانجام در روز ۸ رمضان ۱۳۲۴ق حاکمیت محلی پس‌از چندین مرتبه اخطار، تُّجَّار و کسبه ایرانی را به گلوله بست (بایگانی نخست‌وزیری ترکیه، Y.MTV/290/150/1324/N14 به نقل از موجانی، ۱۳۸۹، ص ۳۷۳). در نتیجه این یورش ۴۲ نفر کشته و ۷ نفر مجروح شدند. (استادوخ، سال ۱۳۲۴ق، کارتن ۶، پوشه ۱، واقعه کربلا)، نامه مجلس شورای ملی به علاءالسلطنه وزیر امور خارجه، ۲۶ شوال ۱۳۲۴ و سایر اسناد همین پوشه.^۲

۱. پناه‌بردن؛ پناهنده‌شدن؛ پناه‌گرفتن.

۲. اگرچه آمار کشته‌شدگان و مجروحان متفاوت گزارش شده‌است ولی اسامی برخی از کشته‌شدگان و مجروحان این حادثه در گزارش محمدعلی، جواد و حاج مهدی آمده‌است (استادوخ، سال ۱۳۲۴، کارتن ۶، پوشه ۱، واقعه کربلا، ص ۱۸).



اوژن اوین سفیر فرانسه که اندکی بعد از این حادثه به کربلا وارد شد بروز این حادثه را شبیه به کشتار مردم کربلا به دستور نجیب‌پاشا در سال ۱۲۵۹ ق می‌داند و می‌نویسد: سه سال پیش هندی‌ها برای اتباع خویش تخفیف گرفتند. در رجب ۱۳۲۴ ق ایرانیان نیز تخفیف مشابهی را خواستار شدند. این درخواست درست مقارن با روزهایی بود که سفارت انگلیس در تهران از انقلاب ایران حمایت می‌کرد. سیاست انگلستان چنین تشخیص داد که زمان جانبداری از روحانیون شیعی مناسب است، ولی سربازان ترک در حالی که مردم در قنصل‌گری انگلیس بست نشسته بودند، روی پناهندگان آتش گشودند و ۲۵ نفر را کشتند و ۴۰ نفر را زخمی کردند (اوین، ۱۳۶۲، ص ۳۹۹).

واکنش وزارت امور خارجه، مجلس و علمای عتبات پس از رویداد کربلا

دربی واقعه ناگوار کربلا، اقدامات و واکنش‌هایی از سوی وزارت امور خارجه، سفارت ایران در اسلامبول، کارپردازی ایران در بغداد، مجلس شورای ملی و علمای ایرانی ساکن عتبات و تهران انجام شد. نخست، کارپرداز اول ایران در بغداد در تاریخ ۱۸ رمضان ۱۳۲۴ ق گزارشی درباره رسم «شهریه» و رفتار والی بغداد با ایرانیان ساکن کربلا به وزارت امور خارجه ارسال کرد. در این گزارش آمده است: «در این هفته قبوض اصنافیه را که عثمانی‌ها علی‌حده از ایرانی‌های کربلا می‌گیرند و مدعی هستند که این رسم شهریه کربلا همان رسم اصنافیه است که موافق مقاوله‌نامه، ایرانی‌ها باید بدهند با قبوض شهریه برای سفارت کبرای اسلامبول ارسال داشت که غرض و تعصب و حرکات و رفتار بی‌قاعده این والی را معلوم کرده هم ایرانی‌ها را از ادای این رسم خلاف قانون معاف داشته و هم کیفر اعمال والی را بخواهند. یقین است از وزارت جلیله امور خارجه هم اقدامات مؤثرانه را در احقاق حق ایرانی‌های بیچاره کربلا فرموده‌اند. از قبوض شهریه و اصنافیه هر کدام چند ورقه هم لفاً به وزارت جلیله امور خارجه می‌فرستد که ملاحظه فرمایند چه ظلم فاحشی به ایرانی‌ها می‌نمایند» (استادوخ، سال ۱۳۲۴ ق، کارتن ۶، پوشه ۱، نمره ۴۹، واقعه کربلا).
دربی این واقعه ناگوار علمای عتبات عالیات با ارسال تلگراف و نامه‌هایی به دولت ایران خواستار رسیدگی هرچه سریع‌تر به این موضوع و مجازات عاملان این حادثه شدند. برای نمونه سید محمدعلی شهرستانی با ارسال تلگرافی به میرزا نصرالله مشیرالدوله صدراعظم ایران ضمن گزارش واقعه کربلا، از دولت ایران خواستار مجازات عاملان این حادثه شد. در تاریخ ۳ شوال ۱۳۲۴ ق مشیرالدوله تلگرافی به آقای شهرستانی مخابره کرد و در این تلگراف ضمن اظهار تأسف از وقوع حادثه کربلا خاطر نشان ساخت: «... بدیهی است که اولیای دولت از چنین امری ساکت نیستند. اقدامات فوری در طهران و اسلامبول به عمل آمد و امیدواریم

۱. تعرفه: شناسایی

۲. مستحسن / mostahsan / نیکو و

پسندیده.



نتیجه مطلوبه به دست بیاید. اقدامات علماء اعلام و جناب عالی در تعرفه^۱ متحصنین و اشتغال آن‌ها به کسب و کار خود هم، در حضور معدلت دستور همایونی ارواحنافداه مستحسن^۲ افتاد و اینکه اشعار فرموده بودید اگر وضع بدین منوال باشد، آمدن زوار شرعاً جایز نخواهد بود؛ علماء اعلام و حجج اسلام دامت برکاتهم که بر ابتلائات^۱ و تلفات و منهوبات^۲ زوار و مجاورین و عدم امنیت طرق و شوارع عراق عرب مسبوق و ملتفت‌اند و به رأی العین مشاهده می‌فرمایند که در سال چه مصائب بر زوار بیچاره وارد می‌شود باید تکلیف شرعی عوام را به آن‌ها القاء، آن‌ها را به اوامر شارع مقدس ملتفت فرمائید» (استادوخ، سال ۱۳۲۴ق، کارتن ۶، پوشه^۱، واقعه کربلا، نامه مشیرالدوله به سید محمدعلی شهرستانی).

نخستین واکنش رسمی وزارت امور خارجه در قبال رویداد بست‌نشینی تجار ایرانی ساکن کربلا در کنسول‌گری انگلیس، در نامه مورخ ۷شوال ۱۳۲۴ق محمدعلی علاءالسلطنه خطاب به یمین‌الممالک انعکاس یافته‌است. در این نامه، علاءالسلطنه تجار و کسبه ایرانی بست‌نشین در کنسول‌گری انگلیس را شماتت می‌کند و می‌نویسد: «التجاء اتباع دولت علیه به ویس قونسول‌گری^۳ انگلیس بسیار بی‌قاعد و ناشی از کمال جهالت و نادانی بود و البته محرکین این حرکت بی‌قاعد را به زبان خوب موعظه و نصیحت نموده از زشتی این حرکت جاهلانه که باعث ذلت ملت بوده‌است آگاه سازید که بعد از این اقدام به امثال و نظایر آن نمایند. در باب منع مطالبه شهریه هم، آنچه لازم بود به سفارت کبرا تعلیمات داده شده‌است و البته نتیجه اقدامات و مذاکرات سفارت کبرا با باب‌عالی به هر جا منتهی شد به آن جناب اطلاع خواهد داد» (استادوخ، سال ۱۳۲۴ق، کارتن ۶، پوشه^۱، نمره ۱۷۰۵، واقعه کربلا). نکته مهمی که از این نامه علاءالسلطنه استنباط می‌شود، صفت جهل و نادانی است که وزیر امور خارجه ایران به تجار بی‌پناه و نگون‌بخت ایرانی ساکن کربلا اطلاق می‌کند و گویی که آنان را مستوجب چنین خشونت می‌دانسته‌است. نکته دیگری که از این نامه می‌توان فهمید بی‌میلی وزیر خارجه به احقاق حقوق قربانیان این حادثه و مبرادانستن سفارت ایران در استانبول است.

فشارها و اعتراض‌های فراگیر سیاسی مردم، علمای عتبات و مطبوعات درباره ضرورت پیگیری واقعه کربلا، تنبیه و مجازات مسببان و عاملان آن و نیز تلاش برای برداشته شدن رسم مالیات «شهریه» از تجار و کسبه ایرانی ساکن کربلا، سرانجام وزارت امور خارجه را واداشت تا اقداماتی در این باره انجام دهد. در همین راستا محمدعلی علاءالسلطنه وزیر امور خارجه در ۱۹شوال ۱۳۲۴ق در نامه خود به سفارت ایران در استانبول از ارفع‌الدوله خواست تا اقدام لازم را درباره لغو مالیات شهریه، دیه مقتولین و مجازات مرتکبین انجام دهد. در ادامه، علاءالسلطنه خاطر نشان ساخت: «... چنان که مکرراً از وزارت خارجه به سفارت کبری اشعار

۱. مصیبت‌ها؛ گرفتاری‌ها.

۲. منهوب / manhub/ غارت‌شده؛ تاراج‌شده.

۳. Vice Consul: نایب‌کنسول؛ کنسول‌یار.



شده است رسم شهریه غیر از وجه اصنافیه است؛ زیرا اصناف تبعه ایران در عراق عرب از دادن اصنافیه مضایقه ندارند و همه ساله می دهند لکن رسم شهریه از سوابق یعنی اوقاتی که قانون عثمانی در آنجا مجری نبوده و دوائر قانونی و عسکر و ضبطیه برای مستحفظ [مستحفظ] شهر نداشته مأمور بوده و این وجه را از کسبه و تجار می گرفته و به داروغه و مستحفظین چند می دادند که مال آنان را در بازار و کاروانسراها از قُطاع طریق و دزد حفظ نمایند. پس از آنکه قانون عثمانی در آنجا مجری و ضبطیه و مستحفظین شهری تعیین شد رسم شهریه به کلی موقوف و از احدی مطالبه نمی شد. حالا چندی است [در پی] مطالبه این وجه ناحساب برآمده اند. چون موافق راپرت های متعدده کارپردازی بغداد علی التحقیق رسم شهریه غیر از وجه اصنافیه است، می باید در منع مطالبه آن ایستادگی نمود. قبوض اصنافیه را هم که از کارپردازی خواسته بودید چند طغرا به سفارت کبری فرستاده اند. چون مرقوم داشته بودید جناب صدراعظم در این مسئله اظهار موافقت نموده اند بدیهی است قبوض اصنافیه را در باب عالی ارائه فرموده در منع مطالبه این وجه قرار قاطعی خواهید گذاشت و نتیجه را هم اطلاع خواهید داد که به عرض رسد و پس از تسویه این کار البته در باب دیات مقتولین ایرانی در کربلا و عزل والی و تنبیه مرتکبین هم هر چه که از اقدامات سفارت کبری حاصل شد وزارت خارجه را مستحضر خواهید داشت ...» (استادوخ، سال ۱۳۲۴، کارتن ۶، پوشه ۱، واقعه کربلا، نمره ۱۷۷۲).

در پی این رویداد، فشارهای سیاسی فراوانی از سوی مردم، مطبوعات و نمایندگان مجلس شورای ملی بر وزارت امور خارجه ایران وارد شد. برای نمونه روزنامه حبل المتین ضمن درج واقعه دردناک کربلا و انتقاد شدید از وزارت امور خارجه ایران، در شماره های متعددی به این موضوع پرداخت و از دولت ایران مَصراً خواست تا برای لغو مالیات «شهریه» و احقاق حقوق از دست رفته تجار و کسبه کشته و مجروح شده ایرانی ساکن کربلا تحقیق و پیگیری لازم را انجام دهد (حبل المتین، س ۱۴، ش ۱۹، ص ۲۰؛ حبل المتین، س ۱۴، ش ۲۰، ص ۱۲).

مجلس شورای ملی نیز در قبال این واقعه واکنش جدی از خود نشان داد. نخستین بار حاج محمد آقا معین التجار بوشهری نماینده تجار تهران در جلسه ۲۱ شوال ۱۳۲۴ ق اظهار داشت: «پنجاه نفر را در عتبات کشته و در سرحد که معلوم است چه تعدیات کردند؛ حال زوار را قتل و غارت می کنند؛ در این صورت تکلیف چیست؟» (صورت مذاکرات مجلس شورای ملی دوره اول، جلسه ۲۱ شوال ۱۳۲۴، ص ۲۱). در ادامه این بحث میرزا جوادخان سعدالدوله نماینده اعیان، خوانین و مالکین تهران نیز گفت: «با وزیر گفتگو شود. مجلس او را احضار نماید و جواب بشنود.» برخی دیگر از نمایندگان پیشنهاد کردند به صدراعظم نامه نوشته شود و از او کسب تکلیف شود. در پایان مقرر شد که «پس از اطلاع صدارت، رسماً

۱. با اصرار؛ تاکید.



با سفارت [عثمانی در تهران] در این مسئله مذاکره شود» (صورت مذاکرات مجلس شورای ملی دوره اول، جلسه ۲۱ شوال ۱۳۲۴ق، ص ۲۱).

در جلسه ۲۲ شوال نیز بار دیگر در این باره سخن به میان آمد و برخی از نمایندگان طرح سؤال کردند مبنی بر این‌که: «در خصوص واقعه عراق عرب چه باید کرد؟ در جواب اظهار شد که گویا والی بغداد و متصرف کربلا معزول و عوارض از رعایای ایران برداشته شد.» در این هنگام آقا میرزا سیدمحمد نماینده تهران اظهار داشت: «شهرت عزل والی و متصرف، جبران قتل پنجاه نفر از مسلمانان و این حرکات شنیعه رانمی‌کند.» مهم‌تر آن‌که میرزا محمدخان صدیق حضرت یکی دیگر از نمایندگان تهران گفت: صحت عزل والی و متصرف هنوز معلوم نیست و اصلاً شیوه و رویه عثمانی‌ها غدر^۱ و خدعه است. (صورت مذاکرات مجلس شورای ملی دوره اول، جلسه ۲۲ شوال ۱۳۲۴ق، ص ۲۲)

سرانجام در ۲۶ شوال ۱۳۲۴ق مجلس شورای ملی بنابه درخواست حاج شیخ محمدتقی وکیل‌الرعیای نماینده همدان در نامه‌ای به وزارت امور خارجه، از علاء‌السلطنه خواست تا درباره واقعه کربلا که سبب کشته شدن ۴۲ نفر و مجروح شدن ۷ نفر از تجار ایرانی شده بود، «نماینده‌ای از سوی آن وزارت‌خانه در مجلس حضور بهم رساند تا به‌طور حضوری در این باب گفتگو و یا کتباً جواب مکفی داده شود» (استادوخ، سال ۱۳۲۴، کارتن ۶، پوشه ۱، واقعه کربلا، نامه مجلس شورای ملی به علاء‌السلطنه).

از اسناد وزارت امور خارجه و صورت مذاکرات مجلس اول به‌خوبی پیداست که علاء‌السلطنه وزیر خارجه برای پاسخ‌گویی در قبال واقعه کربلا در مجلس حاضر نشده و فقط به دادن پاسخ کتبی اکتفا کرده‌است. آخرین واکنش نمایندگان مجلس در برابر وزارت امور خارجه به علت پیگیری نکردن واقعه کربلا مربوط به نطق سیدحسن تقی‌زاده نماینده تبریز در جلسه مورخ ۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ق است. در این جلسه تقی‌زاده پس از نقد جدی به شیوه عملکرد مجلس در قبال مسائل گوناگون کشور و حضور نیافتن وزیر خارجه در مجلس اظهار داشت: «ما هزار درد بی‌درمان داریم. امروز می‌خواهیم بدانیم که هم‌وطنان ما را با اشد ظلماً شهید کردند برای چه؟ و دولت ما در این خصوص چه اقدامات کرد؟ امروز هم‌وطنان ما در آن‌جا دل‌خوش‌اند که به‌مجرد رسیدن تلگراف این واقعه به تهران، وکلای ملت هیجان فوق‌العاده و اقدامات جدی خواهند کرد و در مجلس خودکشی می‌کنند و به داد ما می‌رسند. ولی حالا می‌بینیم که وزیر امور خارجه به احضار مجلس تمکین نکرد و حاضر نشد؛ جواب کتبی برخلاف قانون اساسی داد» (صورت مذاکرات مجلس شورای ملی دوره اول، جلسه ۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ق، ص ۲۸).

۱. غدر / qadr / خیانت؛ مکر؛ فریب. اعتراض نمایندگان مجلس و فشار افکار عمومی باعث شد تا وزارت خارجه حساسیت



بیشتری درقبال این موضوع از خود نشان دهد و از سفارت ایران بخواهد تا رسیدگی لازم را در این باره انجام دهد. بر همین اساس، علاءالسلطنه وزیر امور خارجه در نامه‌های متعددی خطاب به ارفع الدوله، از او خواست تا موضوع برکناری والی بغداد و مجازات مرتکبین را پیگیری کند. این نامه‌ها که از رمضان تا ذی‌قعدة ۱۳۲۴ق به سفارت ایران در استانبول ارسال شده‌است همگی بر ضرورت برکناری والی بغداد و تنبیه مسببین این واقعه تأکید دارند (استادوخ، سال ۱۳۲۴، کارتن ۶، پوشه ۱، واقعه کربلا).

تلاش‌های وزارت امور خارجه برای پیگیری واقعه کربلا در واقع در اثر پیگیری موضوع از سوی علمای عتبات، نارضایتی عمیق مردم، افزایش فشارهای سیاسی مطبوعات و نیز درخواست‌های مکرر نمایندگان مجلس برای رسیدگی به این موضوع بوده‌است. نامه اخیر علاءالسلطنه نیز بر این موضوع دلالت دارد که وزیر امور خارجه باتوجه به آن که در نامه ۷شوال ۱۳۲۴ق حرکت بست‌نشینان ایرانی ساکن کربلا را جاهلانه توصیف کرده بود، تحت تأثیر فضای سیاسی هیجانی تهران ناگزیر از پاسخ‌گویی به افکار عمومی جامعه بوده‌است. این موضوع در نامه مورخ ۴ذی‌قعدة ۱۳۲۴ق وزارت امور خارجه به سفارت ایران در استانبول نیز به صراحت بیان شده‌است. در بخشی از این نامه آمده‌است: «... از ایرانی‌های عراق عرب عریضه به مجلس شورای ملی رسید از واقعه کربلا و تعدیات عثمانی‌ها به خود به بیانات جان‌سوز روح که از تظلمات کرده بودند. آن بیانات، هیجانی در مردم تولید نموده بود. از سفارت عثمانی مراسله رسید که از قرار مذکور بعضی در صدد هجوم به سفارت کبری و سوءقصد هستند. جواب داده شد اگرچه عامه مردم در این باب شاکی و متظلم و در هیجان هستند، لیکن خود را به دادخواهی دولت عثمانی در جبران چنین معامله‌ای با معدودی از مسلمانان امیدوار نموده انتظار دارند که به صورت کامل اجرای عدالت شود» (استادوخ، سال ۱۳۲۴، کارتن ۶، پوشه ۱، نمره ۱۸۳۳، واقعه کربلا).

علاءالسلطنه در ادامه این نامه موضوع درخواست مجلس شورای ملی را مبنی بر حضور وزیر امور خارجه یا نماینده او در مجلس برای اطلاع‌دهی به نمایندگان ملت درباره اقدامات آن وزارت‌خانه درقبال واقعه کربلا به ارفع الدوله اطلاع می‌دهد و درباره علت حضور نیافتن خود در مجلس چنین می‌نویسد: «دیدم اگر بنده و یا نماینده که به مجلس خواهم فرستاد تمام خیالات دولت را در این باب اظهار نماید، افشاء اسرار خواهد شد و صحیح نیست و اگر نگوید، آن‌ها نتایج آتیه را از تغییر والی و متصرف کافی نمی‌دانند و زبان اعتراض بعضی از عوام گشوده خواهد شد. به هر تدبیری بود بعضی از وکلا و معنویین چیزی فهم را در خارج دیده آن‌ها را به برخی دستورالعمل و مذاکرات ساکت کردم که علی‌العجله مذاکره این فقره را در مجلس شورای ملی مسکوت‌عنه بگذارند تا نتیجه کامل از اقدامات سفارت کبری

۲. مَعْنُون / mo'anvan /: شخص دارای
عنوان و مقام.



اسلامبول به دست بیاید و به مجلس عرضه شود» (استادوخ، سال ۱۳۲۴، کارتین ۶، پوشه ۱، نمره ۱۸۳۳، واقعه کربلا).

دستورات علاءالسلطنه به ارفع الدوله مبنی بر پیگیری واقعه کربلا و تلاش‌های او برای لغو مالیات شهریه و برکناری والی بغداد، در گزارش‌های وزارت امور خارجه ایران به خوبی انعکاس یافته است. در یکی از این گزارش‌ها آمده است: «در باب اعزام مأمورین برای تحقیقات مشترکه واقعه کربلا تفصیلی از حاصل مذاکرات با جنابان صدراعظم و وزیر خارجه عثمانی و والی جدید مرقوم داشته بودید مستحضر شدم. خدا کند نیات و مقاصد مکنونه والی جدید مطابق با اظهارات و تعهدات او بوده [باشد] تسهیلاتی در مطالب و امور کارپردازی بغداد بشود و تحقیقات مشترکه مأمورین هم به حسن نتیجه منجر شود» (استادوخ، سال ۱۳۲۴، کارتین ۶، پوشه ۱، نمره ۲۰۰۷، واقعه کربلا).

علاءالسلطنه در نامه مورخ ۱۲ ذی‌حجه ۱۳۲۴ق وزارت خارجه به سفارت ایران در استانبول، ضمن تقدیر از پیگیری‌های ارفع الدوله درباره لغو مالیات شهریه و مجازات مرتکبین نوشت: «... راپورت مفصل جناب یمین‌الممالک را هم در خصوص سوء رفتار والی بغداد و تولید غائله کربلا دیدم. عین راپورت سفارت کبرا را به خاک پای مهراعتلای اقدس ملوکانه فرستادم. اهتمامات جناب مستطاب عالی در این خصوص مورد تمجید همایونی شد و منتظرند که در باب دیات مقتولین هم، اقدامات مؤثری پیشنهاد کرده و از تحصیل نتیجه آن اطلاع بدهید که به عرض برسد» (استادوخ، سال ۱۳۲۴، کارتین ۶، پوشه ۱، نمره ۲۰۱۰، واقعه کربلا).

فشار علمای عتبات عالیات به دولت ایران مبنی بر پیگیری واقعه کربلا و مجازات عاملان آن در اسناد وزارت امور خارجه کاملاً انعکاس یافته است. برای نمونه سیدمصطفی کاشانی خواستار رسیدگی دولت ایران به این موضوع شده بود. بر این اساس در تاریخ ۱۳ ذی‌حجه ۱۳۲۴ق نامه‌ای از سوی میرزا نصرالله مشیرالدوله صدراعظم ایران خطاب به سیدمصطفی کاشانی ارسال شده است. در بخشی از این نامه چنین آمده است: «در باب واقعه کربلا از شرحی که اشعار فرموده بودید استحضار حاصل کرده. اولیای دولت ابدائیت^۱ بعد از اطلاع از این قضیه ناگوار که موجب انواع تأثر و تأسف بود، اقدامات جمیله به عمل آورده نکته فروگذار نفرمودند تا آنکه والی بغداد و متصرف کربلا را معزول کرده و یا قرار دادند هیئت کمیسیون از طرفین به کربلا رفته تحقیقات مشترکه به عمل بیاورند. مخصوصاً از باب عالی در این باب به والی جدید دستورالعمل کامل داده‌اند. مأموری هم که از طرف دولت ابدائیت باید مشخص شود همین دوزمه معین و روانه خواهد کرد. لازم است که از هر جهت به مأمور مزبور اطلاعات صحیحه داده شود ارائه طریق گردد تا به خواست خداوندی در تحصیل نتیجه کامیاب گردیده اولیای دولت ابدائیت بتوانند پس از تکمیل تحقیقات، استرداد

۱. این کلمه خوانا نیست ولی به نظر می‌رسد، ابدائیت (به معنی جاودانه) صحیح باشد.



دیات مقتولین و مجروحین و غرامت منهوبات را قویاً مطالبه نمایند» (استادوخ، سال ۱۳۲۴، کارتن ۶، پوشه ۱، واقعه کربلا، نامه مشیرالدوله به سیدمصطفی کاشانی).

ازسوی دیگر، پس از پیگیری علمای ایرانی مقیم عتبات و تهران مبنی بر اعزام مقامی دیپلماتیک برای رسیدگی به این حادثه و استرداد اموال غارت شده تجار و دریافت دیه مقتولین (روزنامه مظفری، سال ۶، ش ۵)، سرانجام میرزا موسی خان مفخم‌الملک با دستورالعمل اقدام برای تشکیل کمیسیون رسیدگی، تأدیه خسارات و پرداخت دیه شهدا به این مأموریت اعزام شد (موجانی، ۱۳۸۹، ص ۳۷۴). در اسناد وزارت امور خارجه ایران آخرین اسنادی که درباره واقعه کربلا یافت می‌شود، مربوط به استرداد اموال غارت شده تجار و پرداخت دیه مقتولین ایرانی است. این دو سند یکی نامه مورخ ۱۰ جمادی الاول ۱۳۲۹ ق وزارت خارجه به کارپردازی عثمانی است که در آن بر پیگیری دیه مقتولین ایرانی تأکید شده است. دیگری نامه مورخ ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۲۹ ق سفیر ایران در عثمانی به وزارت امور خارجه است. در این نامه پس از تشریح مأموریت میرزا موسی خان^۱ که از طرف دولت ایران مأمور استرداد اموال غارت شده تجار و دریافت دیه مقتولین شده بود، آمده است: «بعداز وقوع تجاوزات متوالیه سرحدی و آن همه نهب و قتل و غارت در حدود، این مسئله مقتولین کربلای معلی و اموال منهوبه آن‌ها در جنب آن مستهلک مانده، چنان که خود حضرت مستطاب عالی بهتر می‌دانند ترمیم این گونه خسران وقتی با قوه قلمیه و تشددات^۲ زبانی به عمل می‌آید که یک قوه قهریه موجود باشد و الا از اعتراضات و پروتست‌های^۳ کتبی و شفاهی نمی‌توان منتظر نتایج مطلوبه شد» (استادوخ، سال ۱۳۲۹ ق، کارتن ۱۱، پوشه ۵۴).

نتیجه‌گیری

رویداد بست‌نشینی جمعی از تجار و کسبه ایرانی ساکن کربلا در مجاورت کنسول‌گری انگلیس - که حدود دو ماه پس از بست‌نشینی در سفارت انگلیس در تهران اتفاق افتاد - در اسناد وزارت امور خارجه ایران به «واقعه کربلا» شهرت دارد. اسناد وزارت امور خارجه ایران، حاکی از آن است که پیش از واقعه بست‌نشینی تجار و کسبه ایرانی در کنسول‌گری انگلیس در کربلا، علمای ایرانی ساکن عتبات‌عالیات از جمله آخوند خراسانی و عبدالله مازندرانی تلاش بسیاری برای خاتمه‌دادن به این موضوع کرده بودند؛ ولی ضعف دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران و رفتار خشونت‌آمیز والی بغداد مانع از حل این موضوع به شیوه مسالمت‌آمیز شد. در پی این حادثه وزارت امور خارجه ایران زیر فشارهای سیاسی علمای ایرانی ساکن عتبات، اعتراضات مردمی، مطبوعات و نمایندگان مجلس شورای ملی قرار گرفت. در این زمان علمای عتبات با ارسال نامه و تلگراف‌های

۱. موسی‌خان مفخم‌الملک قبل از عزیمت به این مأموریت، در مقام کنسول ایران در شام به سرمی‌برد (ممتحن‌الدوله شقاقی، ۱۳۶۵، صص ۲۱۱-۲۱۲).
۲. تشدد / *tašaddod*: تنیدی؛ حدت؛ خشونت؛ درشتی؛ سختگیری؛ سختی؛ شدت.
۳. پروتست / *po(e)rotest*: اعتراض؛ پرخاش.



متعدد به سفارت ایران در استانبول، وزارت امور خارجه و صدراعظم ایران ضمن ابراز تنفر از این واقعه، خواستار مجازات مرتکبین، برکناری والی بغداد، برچیده شدن رسم شهریه، دریافت دیه مقتولین و مجروحین و استرداد اموال به غارت رفته تجار و کسبه ایرانی شدند. متعاقب آن، علاءالسلطنه وزیر امور خارجه برای رسیدگی به این موضوع مکاتبات زیادی با ارفع الدوله سفیر ایران در عثمانی و نیز یمین الممالک کارپرداز اول ایران در بغداد انجام داد. مهم ترین دستاورد دیپلماتیک وزارت امور خارجه ایران در قبال این رویداد ناگوار، برکناری والی بغداد، و برداشتن رسم مالیات شهریه از تجار و کسبه ایرانی ساکن کربلا بود. از این رو می توان نتیجه گرفت که در این واقعه تجار و کسبه به ستوه آمده ایرانی ساکن کربلا - که از سر ناچاری به کنسولگری انگلیس پناه برده بودند - سرانجام قربانی ضعف دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران و رفتار خشونت آمیز دولت عثمانی شدند.

منبع

اسناد

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، سال ۱۳۲۴، کارتن ۶، پوشه ۱، واقعه کربلا؛ سال ۱۳۲۹، کارتن ۱۱، پوشه ۵۴.

کتاب

آبادیان، حسین. (۱۳۷۶). *اندیشه دینی و جنبش صدررزی در ایران*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

الگار، حامد. (۱۳۶۹). *دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجار*. (ج ۲). (ابوالقاسم سری، مترجم). تهران: توس.

اوبن، اوژن. (۱۳۶۲). *ایران امروز*. (علی اصغر سعیدی، مترجم). تهران: زوار.

حائری، عبدالهادی. (۱۳۶۴). *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*. تهران: امیرکبیر.

دوانی، علی. (۱۳۳۷). *استاد کل آقا محمدباقرین محمداکمل معروف به وحید بهبهانی: سرآمد محققین دانشمند شیعه ... قم: بی نا*.

صورت مذاکرات مجلس شورای ملی دوره اول.

ممتحن الدوله شقاقی، مهدی بن رضاقلی. (۱۳۶۵). *رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری*. (ایرج افشار، کوشش گر). تهران: اساطیر.

موجانی، علی. (۱۳۸۹). *بازسازی تاریخ فراموش شده: عتبات عالیات: عراق*. تهران: مجمع جهانی اهل بیت.

نجفی، موسی. (۱۳۷۹). *حوزه نجف و فلسفه تجدد در ایران*. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.



مقاله

تبرانیان، صفاءالدین. (۱۳۷۸). «ساحت تاریخ‌سازی؛ نقد و نظری در حوزه تاریخ‌نگاری جنبش علمای بین‌النهرین». *تاریخ معاصر ایران*، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۳۲۳-۳۵۰.

نشریات

حبل‌المتین، سال ۱۳، ش ۴۰، (۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴).

حبل‌المتین، سال ۱۴، ش ۱۹، (۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۴).

حبل‌المتین، سال ۱۴، ش ۲۰، (۲ ذی‌قعدة ۱۳۲۴).

روزنامه *مظفری*، سال ۶، ش ۵.

فهرست منابع به انگلیسی:

References:

Abadian, Hossein. (1376/1997). *Andishe Dini va Jonbeshe Zedde-Razhi Dar Iran (Religious Thought and Counter Reggie Movement in Iran)*. Tehran: Institute for Iranian Contemporary Historical Studies.

Algar, Hamed. (1369/1990). *Din Va Dowlat Dar Iran: Naqshe Olamá Dar Dowrey-e Qâjâr (Religion and State in Iran: The Role of the Ulama in the Qajar Period (2nd ed.))* Tajome (Translated by) Abolqâsem Serri. Tehran: Tous Publications.

Aubin, Eugene. (1362/1983). *Iran-e Emrouz (Iran Today (1907-1907): Travelogue and Memoirs of Eugene Aubin, French Ambassador to Iran on the eve of Constitutional Movement)*. Tarjome (Translated by) Aliasqar Saeidi. Tehran: Zavâr Publications.

Davani, Ali. (1337/1958). *Ostâd-e Kol âqâ Mohammad Bâqer ibn Mohammad Akmal, Ma'rouf Be Vahid Behbahâni, Sarâmad-e Mohaqeqin-e Dânesmand Shi'e (Master Professor Mohammad Bagher ibn Mohammad Akmal, known as Vahid Behbahani: Excellence of Shiite scholars)*. Qom: Binâ Publications.

Edâre Asnâd Va Târix Diplomâcy Vezârat Omur Xâreje (Astâdux) (Center for documentation & Diplomacy History of Ministry of Foreign Affairs). Sâle 1324 HQ, Box 6, Folder 1, Battle of Karbala.



Edâre Asnâd Va Târix Diplomâcy Vezârat Omur Xâreje (Astâdux) (Center for documentation & Diplomacy History of Ministry of Foreign Affairs). Sâle 1329 HQ. Box 11, Folder 54.

Hablolmatin Newspaper, Sâle 13(40) (15/06/1906).

Hablolmatin Newspaper, Sâle 14(19) (17/12/1906).

Hablolmatin Newspaper, Sâle 14(20) (18/12/1906).

Haeri, Abdolhadi. (1364/1985). *Tashayyo' Va Mashroutiyat Dar Iran Va Naqsh-e Irâni-yân-e Moqim-e Arâq (Shia and constitutionalism in Iran and the role of Iranians living in Iraq)*. Tehran: Amirkabir publications.

Momtahanoddole Shaqâqi, Mehdi ibn Rezâqoli. (1365/1986). *Rejâl-e Vezârat-e Xâreje Dar Asr Nâseri Va Mozaffari (The men of the State Department in the time of Naseri and Mozafari)*. Be Koushesh-e (collected by) Iraj Afshâr. Tehran: Asâtir Publications.

Mowjâni, Ali. (1389/2010). *Bâzsâzi Târix-e Faramoush-shode Atabât-e âliyât: Arâq (Reconstruction of forgotten history: Holy Shrines: Iraq)*. Tehran: Majma'e Jahâniye Ahle Beyt.

Mozaffari Newspaper, Sâle 6(5).

Najafi, Musâ. (1379/2000). *Howze-ye Najaf Va Falsafeye Tajaddod Dar Iran (Najaf Seminary and Modernity Philosophy in Iran)*. Tehran: Moassese-ye Farhangi Dâneshe Va andishe Moâser, Moâssese-ye Motâl'eât Târix Moâser Iran (Cultural Institute of Contemporary Science and Thought, Institute for Iranian Contemporary Historical Studies).

Safâoddin, Tabaraeeyan. (1378/1999). "Sâhat-e Târix-sâzi; Naqd va Nazari Dar Howze-ye Târix-negâri Jonbeshe Olamâye Beynonnahreyn" ("The scope of history-making; critique and commentary in the field of historiography of the Mesopotamian Ulama movement"). *Târix-e Moâsere Iran (Contemporary history of Iran)*, 3(11): 323-350.

The texts of talks in the First National Assembly.

